



در همان موقعی که متفقین از نقشه کلی خود پیش بینی کرده بودند بوقوع پیوست مدنی رومانی مردود بود؛ زیرا از طرفی بتعهدات خود که از معاهده سرئی وی ناشی میشد توجه داشت؛ از طرفی هم منافع خود را در این میدید که تمایل خود را نسبت بمتفقین ابراز دارد. رویه سیاسی روسیه، و شکست های سال ۱۹۱۵ روسها و صربها هم از عوامل دیگری است که الحاق رومانی را بتعویق انداخته بود.

ولی عاقبت فتوحات ایتالیائیها و روسها این نگرانی و تردید را بر طرف ساخت، و رومانی در مقابل اصرار و ابرام متفقین تن در داده الحاق خود را به آنها اعلان نمود.

مأموریت قوای رومانی این بود که جناح چپ نیروی روس را امتداد داده، و در مقابل جناح راست قوای اطریش داخل عمایات شوند، بجارستان و ارنشهای عقب دشمن را تهدید نموده، و در عین حال اراضی را که طالب الحاق آنهاست اشغال نماید. در همین حال، از قوای روس عده هائی مأمور شده بودند رومانی را از احتمال حملات یهلوثی ارنشهای بلغار حفاظت نمایند.

در شب ۲۸ اوت، ارتش رومانی در جبهه ای بامتداد ۶۰۰ کیلو متر داخل مجارستان میشد. فاصله چند روز، «ارسوا، سییو و براسو» - Orsova-Sibiu (Brasso) نسخیر شده و کلیه خاک مجارستان در معرض تهدید واقع شده بود.

بنا بر این، در پایان اوت ۱۹۱۶، وضعیت دول مرکزی خیلی سخت بود: در غرب، حماه «وردن» از آخر ماه ژویه اضطراراً موقوف گردیده بود. کنار «سم» قوه مقاومت ارنشهای آلمان با سرعت زیادی بتحلیل رفته بود.

ایتالیائیها «ترست» را تهدید میکردند. در شرق نیز، با اینکه فرمادهی آلمان کلیه قوا را در اختیار گرفته و بالتیجه قدرت مقاومت حریف زیادتر شده بود، روسها بتعرض خود ادامه میدادند. نیروی رومانی بدون مقاومت داخل خاک مجارستان میکردید، ارتش «سائلیک» اینک داخل عمل میشد، و اگر قادر نبود به ارتش رومانی کمک نماید، لااقل ممکن بود کلیه قوای خصم را که در مقابل داشت در جبهه خود مشغول ساخته و از حرکت بازدارد.

لودندرف در مورد اطریش مینویسد : «اطریش ، به در زمان صلح ، به در زمان جنگ ، هیچ اقدامی نکرده بود ، برای اینکه ترانسیلوانی (Transylvanie) و جناح راست خود را حفاظت نماید . در مقابل دشمنی که ارتش وی به ۶۰۰۰۰۰ نفر بالغ می شد ، اطریش غیر از گردان هائی که از کارگران معادن تشکیل شده بود ، و واحدهای قدیمی و فرسوده ای ، قوای دیگری در اختیار نداشت لهذا دولت آلمان ، که تمام وزن و فشار جنگ خواه بحواه بر دوش ارتشهای آن تحمیل میشد ، اینک عاقبت به هیدسورگ ، فرمانده جبهه شرق ، که تا آن موقع شکستی نخورده و همیشه فتح نموده بود ، متوجه شده و او را دعوت کرد برای اینکه این وضعیت نارینک را نرمیم نماید . اینک باید دید که هیدسورگ ، برای احتراز از شکست و نرمیم چنین موقعیت نارینکی ، بچه ندایی متوسل خواهد شد .

* * *

صحنه آسیا

در ایام رجاه و سعیت استراتژی طرفین در صحنه آسیای تیسیری نکرد و فقط روسها قدری در ارمنستان و عثمانیها در ایران موفقیت داشتند .

جبهه قفقاز (نقشه شماره ۲۲)

در جبهه قفقاز فرماندهی روس محصوراً نقشه تدافعی را تعقیب میکرد که مواقع متصرفی را در دست نگاهداشته و مسطر فرصت برای بسط عملیات تعرض بعدی باشد ، وای روسها نصیب گرند که آن نقشه تدافعی را کماکان بوسیله تعرض عملی نماید .

عثمانیها ، برعکس ، محدوداً نقشه وسیع تعرضی در نظر گرفتند . لذا قوای معظمی در آنجا مقرر گردادند

طرفین در آغاز عملیات وسیعی را دارا بودند که پس از تصرف «ارصوه و طرابوزان» مابین آرادادیم . قوای روسها به ۱۸۳ گردان پیاده ، ۱۷۵ اسواران و ۴۷۰ توپ بالغ مینگرددید . قوای عثمانیها در آغاز عملیات به ۲۰۶ گردان پیاده ،

۴۵ اسواران و ۱۰ هزار نفر کرد بالغ میگرددید، ولی قوای مزبور تدریجاً رو باز دیاد
میرفت و در پهلو راست ارتش ۳ ارتش جدید ۲ تمرکز یافت .

نقشه عثمانی عبارت بود از عملیات نمائشی ارتش ۳ در برابر تمام جبهه روس
و اجرای ضربت شدید بوسیله ارتش ۲ ، که قرار بود نخست با ۳ سپاه از «خارپوت»
بجبهه «خنیس - قلمه موش» و بعد بطرف «کپری کوی» با دور زدن «ارضروم»
از جنوب شرق پیش رود .

عثمانیها در نظر داشتند که بوسیله این ضربت شکست فاحشی بروسها وارد سازند
و یا لاقلاً «ارضروم» را مجدداً بازگیرند .

عثمانیها قبل از شروع بتعرض ارتش ۲ ، مصمم گشتند که جهت بهبودی
موقعیت جناح چپ ارتش ۳ اقدام کنند و برای این مقصود بوسیله ضربت شدید گروه
«طرابوزان» روس را بدریا برانند .

فرماندهی روس تصمیم گرفت که وضعیت خود را حفظ کرده و مخصوصاً
خطوط مواصلات خویش را از طریق دریا و «طرابوزان» تأمین نماید ؛ برای این
مقصود فرماندهی مزبور در نظر گرفت تدریجاً بخط «فل - گوموش خانه» -
ارزنجان، پیش رود و با تصرف این راه را کز مهم تقاطع راهها تصرف نواحی «طرابوزان»
و «ارضروم» را تأمین نماید .

بعلاوه ، فرماندهی روس لازم دانست که بوسیله ضربت متقابل خود از اجرای
نقشه تعرضی عثمانیها جلوگیری بعمل آورد .

عملیات اولیه در سمت «طرابوزان» بوقوع پیوست و در آن سمت عثمانیها
میخواستند بوسیله تعرض از «گوموش خانه» بطرف «سورمنه» قوای روس را بدریا
برانند . ولی قوای مزبور در پاسخ عثمانیها اقدام بضررت متقابله بجناح راست آنها نمود .
در نتیجه يك - سلسله محاربات قوای روس در آغاز ماه ژویه بخط «الثو - گوموش خانه»
پیشرفته و در آنجا متوقف گردید .

در سمت «بایبورت» قوای روس روز ۲ ژویه ، یعنی هنگامی که موفقیت
کامل قوای «طرابوزان» مسلم شد ، اقدام بتعرض نمود . روسها سریعاً «بایبورت» را

اشغال کردند و تا خط « کیلیت - چفتلیک » پیش رفتند، و با پوشش خود در سمت شمال برای حمله به « ارزجان » از جانب شمال، با تفاق قوای مهاجم از سمت « ارضروم »، جبهه را به ۹۰ درجه تغییر دادند.

برای عملیات در پشت سر عثمانیها از طرف روسها قوای سوار نظامی به خط شوشه « ارزجان - سیواس » اعزام شد و بوسیله پیاده نظام، که بحوبی از عهده مأموریت خود بر آمد، پشتیبانی گردید.

در سمت « ارضروم » محست عثمانیها روز ۳۰ ماه مه اقدام بتعرض نمودند، و اسی عمایات آنها چندان جدی نمود و فقط موفق بمقب راندن قسمت های مقدم سپاه اول قفقاز روس شدند. در ماه ژوئیه سپاه مرزور خود اقدام به تعرض نمود و روز ۲۵ آن ماه به اتفاق قوای « نایبورت » (سپاه ۲ ترکستان) « ارزجان » را تصرف نمود.

در جنوب در سمت دیاربکر در برابر قوای روس (سپاه ۴ قفقاز، ۳۲ گردان و ۳۶ اسواران) عثمانیها دارای قوای ذیل بودند:

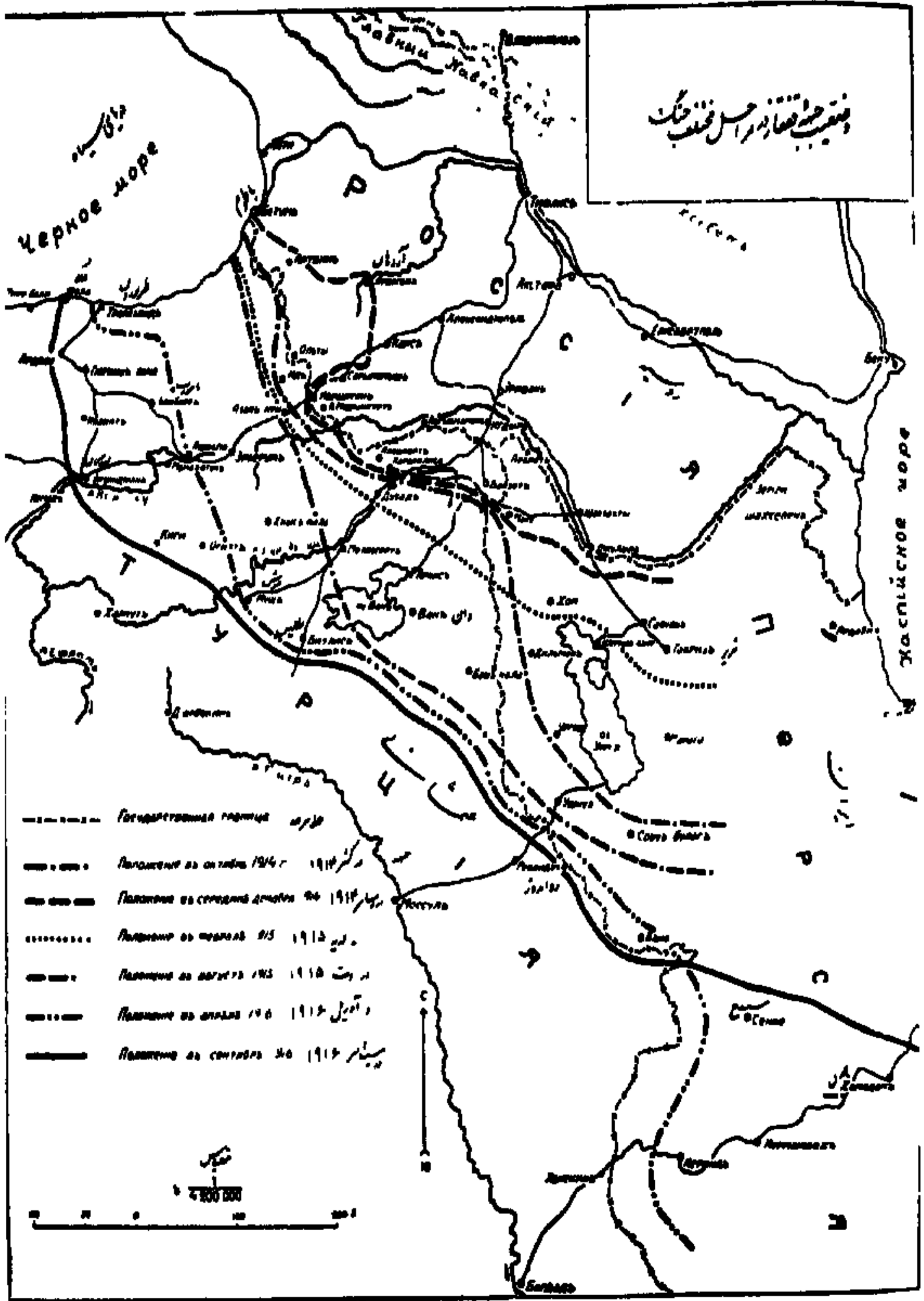
حناح راست ارتش ۳ عثمانی و ارتش ۲ عثمانی که از راه آهن بغداد و خط « دیاربکر » در آنجا نمر کر یافته بود و محست مرکب بود از ۷ لشکر و قرار بود که تا ماه اوت ۱۵۰۰ لشکر برسد.

عثمانیها ۴ لشکر شمال رود « فرات جنوبی » (مرادچای) و ۲ لشکر جنوب جبهه « موش - بعلبیس » اعزام داشتند. روز ۱۵ و ۳۱ ژوئیه هر دو گروه فوق را روسها در هم شکستند و خودشان قدری پیش رفته و با همسایه شمالی ارتباط برقرار نمودند.

مدین طریق، روسها در تمام جبهه ارمنستان نقشه خود را احجام دادند، یعنی در شمال تا ۱۳۰ کیلو متر پیش رفته و یک رشته مراکز مهم راه ها را نیز اشغال کردند.

ارتش قفقاز مقصود بعدی خود را در جبهه ارمنستان تأمین وضعیت فعلی قرار داد یعنی حفظ خط « ایلو - ارزجان - موش - بعلبیس » و توسعه تعرض بوسیله

تقسیم قفقاز در اس وقت جنگ



رساندن قوا از طریق دریا. لذا بنا و کان دریای سیاه در ۶ ژوئن دستور ذیل صادر شد:

- ۱- در محاصره کامل «بوسفور» مراقبت زیادی بعمل آورد (چه در غیر آن صورت با قوای موجوده در آنجا تأمین عمل حمل و نقل قوا بوسیله کشتی و پیاده کردن آن بخشگی ممکن نمیشد)؛
- ۲- از حمل ذغال برای عثمانیها جلوگیری نماید؛
- ۳- در حمل لوازمات در دریای سیاه مساعدت بعمل آورد؛
- ۴- وسایل حمل يك لشکر پیاده و يك تیپ توپخانه را حاضر داشته باشد؛
- ۵- تهیه وسایل حمل قوایی قریب به ۳ تا ۴ سپاه را، برای عملیات مستقل، در نظر بگیرد.

عملیات در ایران

عملیات در ایران در بخش مخصوص شرح داده شده است.

عملیات در بین النهرین - شامات و ترعه سوئر

در بین النهرین انگلیسها پس از تسلیم شدن قوای ژنرال نا اوشند شروع بتهیه عملیات جدیدی تحت فرماندهی ژنرال مُد (Maude) نمودند. ولی در تمام سال ۱۹۱۶ انگلیسها مشغول تهیه وسایل تعرض بودند و از سال ۱۹۱۷ تعرض آنها شروع شد. در ماه ژوئن ۱۹۱۶ اعراب بر ضد عثمانیها قیام کردند و قوای آنها مکه معظمه و راههای سمت حجاز را تصرف نمودند.

از طرف دیگر عثمانیها در آخر سال ۱۹۱۵ تلاش خود را بر ضد ترعه سوئر تجدید نمودند. اردو کشی در مصر توسعه یافت.

در آن حدود قریب ۸ لشکر انگلیس متمرکز یافت، اقدامات مهمی برای تأمین پشت سر و راهها بعمل آمده بود و در مدت سال ۱۹۱۶ انگلیسها تدریجاً به سه اناب (که چند هفته از یکدیگر فاصله داشت) و پس از سه برد شدید بین «کاتیا» (Katia) و «پیرالمزار» در آخر ماه «امبر» العریش و «رافا» را تصرف کردند، و در ژانویه ۱۹۱۷ کاملاً موفق به خارج ساختن عثمانیها و آلمانیها از شبه جزیره سینا گردیدند.

عملیات دریائی

در آغاز مرحله مزبور در دریای شمال یگانه نبرد دریائی بوجود پیوست که قسمت بیشتر نیروی دریائی طرفین در آن نبرد بایکدیگر تلافی نمود.

نبرد دریائی ژوتلاند

(یا اسکاگراک)

فرماندهی نیروی دریائی آلمان مصمم گشت که ناوگان آلمانی را برای اجرای عملیات بدریا اعزام دارد. روز ۳۱، ۴۰، ناوگان رزم ناو آلمان فرماندهی دریا سالار شتر (Scheer) از ترعه



دریا سالار بیتنی

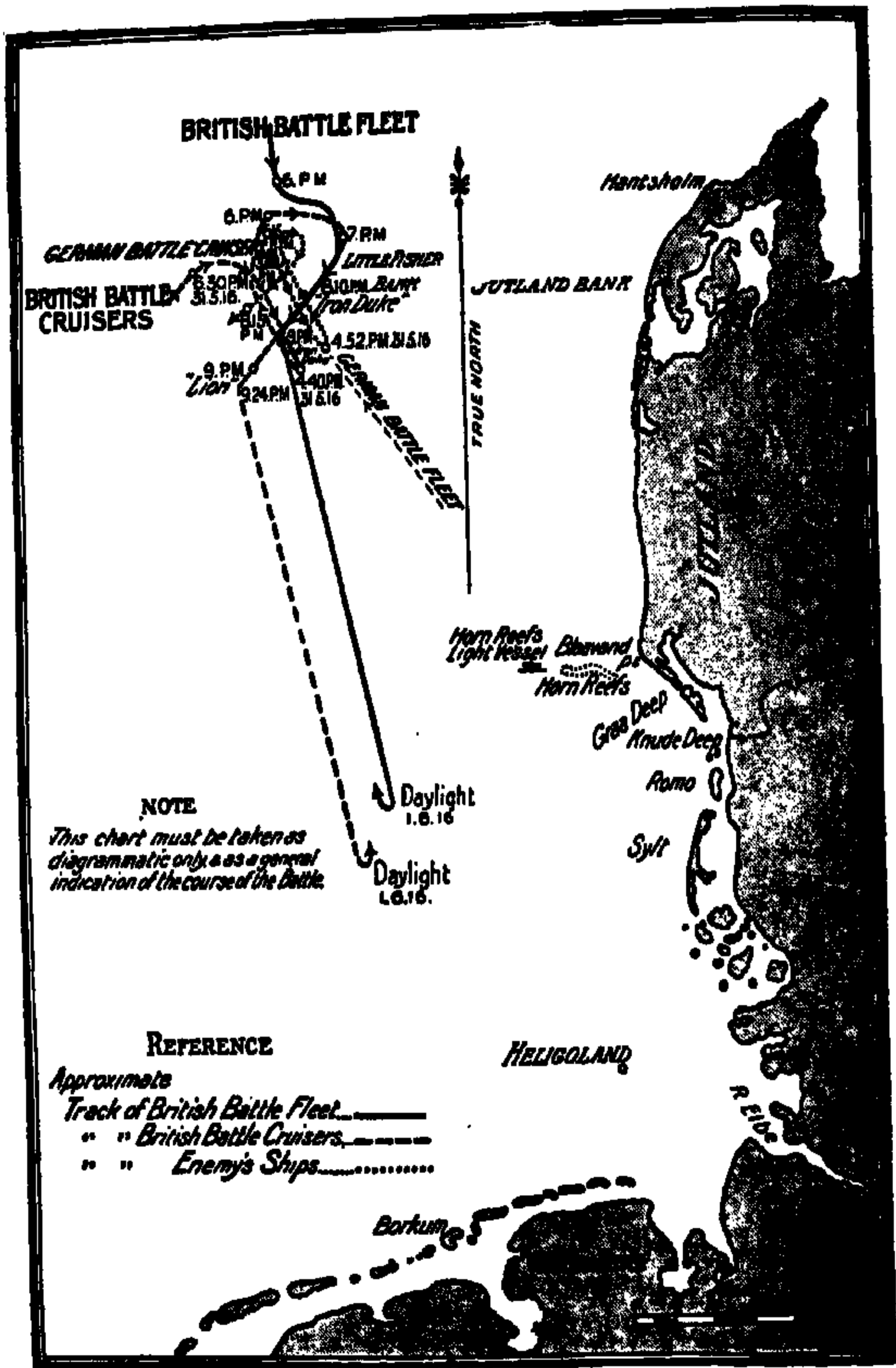
کیل (Kiel) و «ویلهلمسهافن» (Wilhelmshaven) خارج میشود. ناوگان مزبور در آبهای ساحلی ژوتلاند (Jutland) با ناوگن بخش رزم ناو دریای اتریش (Beatty) مواجه

میکردد. این تلافی معروف به نبرد دریائی ژوتلاند، و یا اسکاگراک (Skagerrak)

است. در این نبرد، ناو بخش رزم ناو هر دو طرف داخل مبارزه میشوند، قوای عمده نیروی آلمان بعملیات می پردازد، بناو بخش انگلیس تلفات سنگین وارد میآید. دریا سالار «بیتنی» سعی میکند تا رسیدن قوای عمده نیروی دریائی انگلیس (فرماندهی دریا سالار ژلیکو (Jellicoe) نیروی دشمن را مشغول سازد (از ساعت ۱۵ تا ۱۸) در ساعت ۱۸، قسمت اول زره دارهای



دریا سالار شتر



(از منابع انگلیسی) نبرد دریایی ژوتلاند (یا اسکاگراک) (مقابله صحنه ۱۶۶)

(۱۹۱۶ م)



دریا سالار ژلیکو

انگلیس نمایان گشته و مابین اوگان طرفین متخاصم درگیری شروع می شود تا در ساعت ۲۰ ناوگان آلمان عقب نشینی کرده و در تحت فشار تعاقب او های انگلیس به پشت سد^۲ میں ها (La barrière des mines) پناهنده میشود .

انگلیسها تلفات سنگین خود اعتراف کردند. ولی آلمانها به جست و جوی موهومی به خود نسبت دادند ، تا عاقبت حقیقت امر را کم کم تصدیق کردند . طرفین ۵ یک قریب ۲۵ او بررک از دست دادند . پیروی

دربائی آلمان تا پایان جنگ فعالیت دیگری ابراز نداشت و همین خود مدلل میدارد که آلمانها از عواقب این سرد دریائی سخت متأثر شده اند، و تأثیرات روحی این سرد از تأثیرات مادی آن عمیقتر بوده است .

نتیجه مرحله دوم

نتایج گامی این مرحله را بطریق ذیل میتوان بیان کرد :

- ۱ - مأموریتهای محو و بارنشهای متفقین از طرف کنفرانس «شانتلی» بموقع اجرا گذارده شد ولی نتایج کلی قطعی از آن حاصل نگردید ، ارنشهای متفقین تلفات سنگین دشمن وارد ساختند ، وسایل او را تحلیل بردند ، ولی خود آنها هم فرسوده شدند ، بدون آنکه موفق شوند تغییری به نفع خود در وضعیت استراتژی بدهند .
- ۲ - عملیات مشترک متفقین در صحنه های مختلف صورت کوششهای جداگانه ای بوقوع پیوست چون از لحاظ زمان و مدت توأم نشده بود . متحدین در اثر عملیات

فوق دچار وضعیت سختی شدند ولی قوا و آزادی مانور را برای مرحله بعدی محفوظ داشتند. فقط درجهٔ روس عملیات تقریباً لاینقطع دوام داشت.

۳ - در صحنهٔ بالکان آرامش کامل حکمفرما بود، ولی در صحنهٔ آسیا ابتکار عملیات (گرچه بطور ناقص) در دست عثمانیها بود. با وجود این، روسها که به‌مجدداً اقدام بمبارزه در سخت‌ترین اراضی کوهستانی نمودند، توانستند زیاده داخل ارمنستان پیشروی کنند و در وضعیت خود در آن حدود بهبودی حاصل نمایند. ولی ممکن نشد که در سمت جنوب با انگلیسها عملیات مشترکی برقرار سازند. این موضوع وضعیت متفقین را در ایران دچار اشکال نمود.

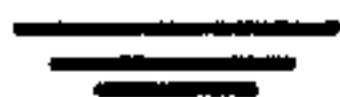
۴ - نتایج عملیات ارتش انگلیس و فرانسه در «سم» که دارای وسایل کافی بودند و نتایج عملیات ارتش روس نزدیک «ریگا» و «بارانویچی» که از حیث وسائل فنی فقیر بود می‌بینیم که مختصر و تقریباً مساوی بود، این موضوع میرساند که در مبارزه با مواضع مستحکم تنها وسایل فنی کافی نیست بلکه اجرای مانورهای ماهرانه نیز کاملاً دخیل است.

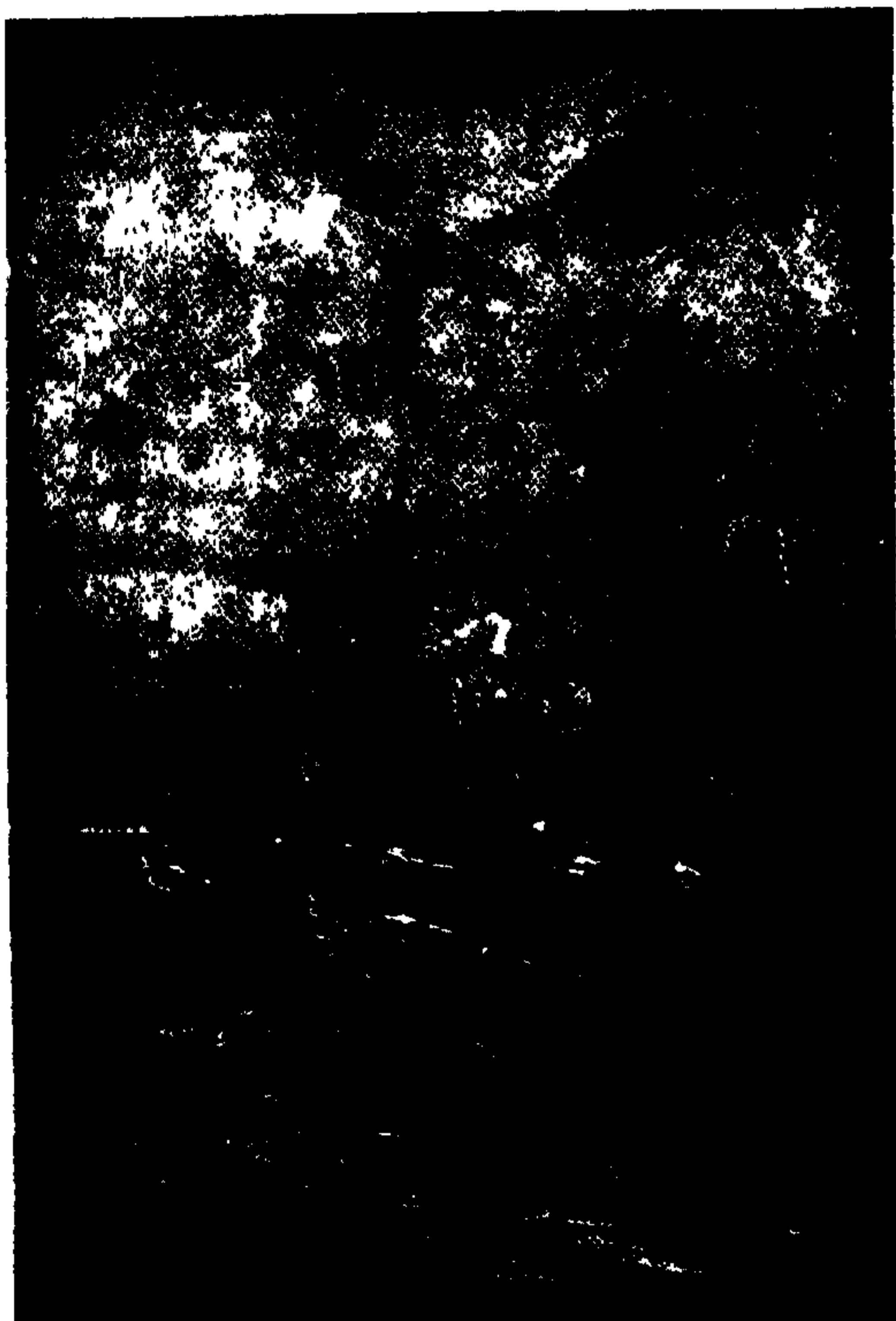
۵ - مجدداً در مقامات فرماندهی طرفین اختلافاتی مشاهده میشود:

در سمت روسها می‌بینیم که آلکسیف قادر به اداره کردن بروسیاف، اورت، و روزسکی بست؛ در سمت آلمانیها خصومت بین فالکنهاین با هیندنبورگ و لودندرف مشهود میگردد. و در فرانسه اختلاف نظر بین ژنرال‌سارای دیده میشود.

۶ - در اثر نکات فوق متفقین مجبور بودند در مرحلهٔ پائیز اجرای نقشه‌های تابستانی را ادامه دهند، ولی در وضعیت بدتری زیرا آلمانیها میتوانند مجدداً ابتکار را بدست آورند.

۷ - در این مرحله فتح مهم‌سیاسی نصیب متفقین گشت چه توانستند رومانی را مجبور به دخول در صف خود نمایند ولی نتوانستند از تمام مزایای این موفقیت بهره‌مند گردند.





اولين تلافی ناوگان طرفين قبل از شروع مرد ژوتلاد
(مقابل صفحه ۴۶۸)



(مقابله ۲۶۹)

نبرد دریایی ژوتلاند (یا اسکاگراک)

(از منابع آلمانی)

(۱۹۱۶ م ۳۱)

بخش شانزدهم

عملیات جنگی در سال ۱۹۱۶

(مرحله سوم)

استقرار در پایان سال ۱۹۱۶ - دفاع - تعرض -
عملیات رومانی در سال ۱۹۱۶ - نتیجه عملیات جنگی
سال ۱۹۱۶ .

استقرار در پایان سال ۱۹۱۶

هیندسورگ مسئله بس دشواری در پیش داشت : بدین معنی که میبایستی سه
تعرض را : « سوم » ، کارسو ، و « واینی » (Sonme-Carso-Wolhynie) که
با کمال موفقیت در حال پیشرفت بود متوقف سازد ؛ از تعرض دیگری ، یعنی
تعرض « سائینیک » جلوگیری کند ، و جبهه‌ای یکباره ایجاد نماید (جبهه
ترانسیلوانی Transylvanie) . نقصان قوا و وسایل در جبهه فراسه ، و نقصان
قوا در جبهه روس . سختی اراضی در جبهه ایتالیا ، ضرورت تأمین مقاصد نظامی ،
اقتصادی و سیاسی ، عبارت از عوامل عمده‌ای بود که فرماندهی کل نیروی
آلمان را وادار ساخت نقشه ذیل را اختیار نماید : دفاع در کلیه جبهات فراسه ،
ایتالیا و روس و همچنین در مقابل ارتش « سائینیک » ؛ تعرض در جبهه رومانی .
این نقشه عبارت از همان نقشه عملیات سال ۱۹۱۵ : یعنی فقط دفع ضربتهای حریفهای
اصلی و در عین حال اضمحلال قوای حریفهای فرعی .

دفاع

تعرض متفقین در ماه سپتامبر نیز موفقیتهای عمده‌ای عاید نمود ، ولی از ماه اکتبر

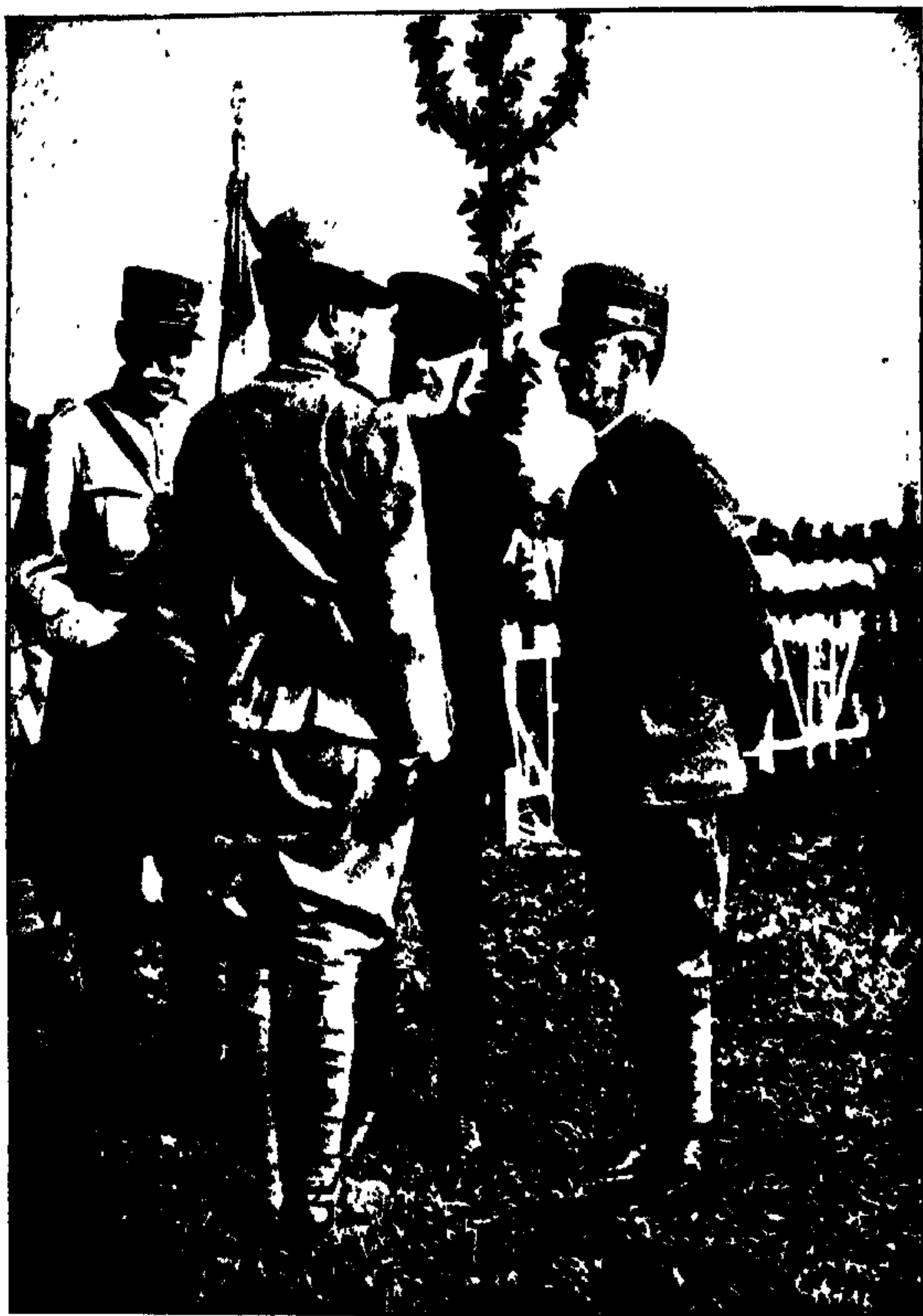
بعد ، در تحت تأثیر عواملی که اینک ذیلاً خلاصه میشوند ، تعرض مزبور کم کم رو بسف نهاده و تخفیف حاصل نمود :

ایتالیا (نقشه شماره ۴۳)

ایتالیائیان ، قبل از اینکه به تریست (Trieste) برسند ، ناگزیر بودند نخست جاگه کارسو (Carso) و کوههای هرمادا (Hermada) را که از شهر دفاع میکرد ، بدست بیاورند . پیشروی آنها در شمال "گریتسیا" (Gorizia) ، که سلسله جبال "سن کاریل و سن دانیل" (St-Gabriele-St-Danicle) متوقف ساخته بود ، از جنوب ادامه یافت . در ۱۴ سپتامبر ، در نتیجه حمله مساعدی که از جاگه شروع شد ، ایتالیائیان موفق شدند به "اپاشیازلا" (Oppachiasella) رسیده و در سمت ، کاستانیه ویتسا ، (Castagnievizza) پیشروی نمایند . ولی فرماندهی نیروی اطریش فرصتی بدست آورده بود ، برای اینکه وضعیت را ترمیم نماید : بدین معنی که تعرض روسها نسبتاً آرامشی پیدا کرد ، و همین خود مجالی بدست داد ، برای اینکه جبهه غربی خود را مستحکم نماید . از طرفی نیز ، صعوبت زمین ذو عارضه آهکی که فاقد آب و موصلات بود تخفیف تعرض ایتالیائیان را ایجاب نمود . این تعرض در آغاز نوامبر موقوف گردید . ایتالیائیان پهای استحکامات آخری "تریست" (Trieste) رسیده ، و محاربه چهار ماهه قوای اطریش را سخت به تحلیل برده و ۸۵،۰۰۰ تن از آنها اسیر نموده بودند . موفقیت قطعی هنوز نصیب ایتالیائیان نشده بود . ولی از نخستین سال محاربه نتایج گرانبهایی بآنها عاید شده بود .

فرانسه (نقشه شماره ۴۲)

در آغاز سپتامبر ، تعرض "اسم" ، کماکان پیشرفت میکرد . فرمانده کل نیروی آلمان بوضعیت جبهه غرب واقف نبود ؛ زیرا از آغاز کار با نبرد های سهل و ساده ای ، آن نیز در قبال حریفی که از حیث وسایل و ملزومات ضعیف بود ، مانوس شده و از حدود عملیات جنگ متحرک ، که دایره خیلی وسیعی دارد ،



رئیس جمهوری فرانسه «یوانکاره» یکنفر سروان ایتالیایی در حضور پادشاه ایتالیا نشان جنگی اعطاء می‌شاید
(مقابل صفحه ۴۷۰)

خارج نشده بود. لهذا، برای او مقدور نبود، که از مسافت بیدی وضعیت جنگ موضعی بی تمری، با آن همه مصارف مدهشی که در بردارد (یعنی بمصارف مادی و معنوی این جنگ) واقف گردد. این بود که در اوایل ماه سپتامبر مسافرتی کرد و بالتیجه وخامت وضعیت را دریافت. چنانکه میدانیم حملات فرانسه و انگلیس به مسئله تصرف اراضی چندان اهمیت ندادند و بیشتر به تحلیل بردن قوای خصم متوجه بود؛ و همین خود مخاطره‌ای بود که آلمانها میبایستی با آن مواجه کردند. در ۳ سپتامبر، در طی حمله مؤثری، متفقین از «کلیری» (Cléry) تا کی مون (Guillemont)، در سمت کمبل (Comblès) و مقابل «شلن» (Chaulnes) پیشروی کرده و تلفات سنگینی، از لحاظ نفرات و ملزومات، بآلمانها وارد آورده بودند؛ چنانکه فرانسویها به تنهایی ۶،۰۰۰ اسیر و ۳۶ توپ بدست آورده بودند. در تاریخ ۱۲، «بوشاون» (Bouchavesne) در شمال، و در روز ۱۷، «برنی» (Berny)، «دنیکور» (Deniecourt) و «رمان دوویلر» (Vermandovillers) در جنوب بدست فرانسویها افتاد؛ در تاریخ ۲۵، در نتیجه حمله جدیدی که قوای مشترک فرانسه و انگلیس اجراء کردند، «گودوکور» (Gueudecourt)، «مروال» (Morval)، «رانکور» (Rancourt) و «کمبل» بدست متفقین افتاد.

ولی فرماندهی کل نیروی آلمان، که نقشه عملیات خود را با وضعیت جدید وفق داده و ندایر تاکتیکی جدیدی اتخاذ نموده بود، اینک متفقین را از پیشرفت باز میداشت. عده‌های خط مقدم برداشت شده و دفاع در عمق رده بندی شده بود. رده بندی وسائل، در عین حالیکه تلفات را تقلیل داده و حملات متقابله محالی را تسهیل مینمود، پیشرفتهای متفقین را برای مهاجم گرانتر، و برای مدافع ارزانتر تمام میکرد. در میان تجربه‌های پیشماری، اینک مقدمه عقیده «دفاع انعطاف پذیر» ظاهر گشته و این عقیده رفته رفته رونق پیدا میکرد، و این همان عقیده است که آلمانها روش خود را در ۱۹۱۸ - ۱۹۱۷ بدان منگی خواهند نمود؛ یعنی تصرف زمین، جز در بعضی از نقاط اصلی، چندان اهمیتی نداشته و مسئله محدود

کردن پیشرفت دشمن و کاستن تلفات بحداقل موضوع عمده ایست که باید بیشتر منظور نظر واقع گردد.

علت دیگری که تعرض فرانسویها را دچار تانی ساخت ، مسئله فرسودگی و تحلیل ارتش انگلیس است . تلفات فوق العاده کادر ، اختلال امور که از نبرد استمراری ناشی شده بود (آنها در قبال عده هائی که با کمال شتاب تشکیل شده بودند) اینها عبارت از عوامل مؤثری بود که رفته رفته فرماندهی انگلیس را وادار مینمود از مساعی خود بکاهد ، در حالیکه ارتش فرانسه در دو ساحل « سم » بحملات خود ادامه داده « سارس » (Sars) را در ۱۷ اکتبر ، « بر سوار » (Pressoire) و « آبلن کور » (Ablaincourt) را در ۷ نوامبر تصرف میکرد . ژنرال ژفر به ژنرال « هایگ » اصرار میکرد عملیات را موقوف نکند : در ۱۸ اکتبر مخصوصاً « ضرورت اجرای عملیات تعرضی وسیع و عمیقی را در سمت « آشیه - لو - گران » (Achiet-le-Crand) « باپوم » (Bapaume) و « برتنگور » (Bertincourt) یادآوری کرده و پیش از پیش اصرار میورزد که « در چنین موقع باریک و مساعدی که مقاومت دشمن رو بضعف گذارده و وضعیت کلی متفقین هم ایجاب میکند موفقیت های اخیر تکمیل گردد ، جایز نیست عملیات امگلبها موقوف گردد . » ولی وضعیت زمین ، و شدت بارندگی پایان یابیز هم مزید بر عات گشته عملیات متفقین را دچار موانع ساخت . در چنین زمین ویرانی ، که در سرتاسر آن انری از عمران و آبادانی باقی نمانده و کوئی یکباره زیر وزبر و منهدم گردیده بود ، حتی عمل پیشروی هم مواصلات با عقب را باشکال انداخته ، عائب و تضییقات عده هارا پیش از پیش فراهم میکرد .

دراول نوامبر ، فرماندهی کل نیروی فرانسه ناگزیر شد از اینکه نقشه خود را محدود کند : منظور او این نبود که نبرد را موقوف سازد ، بلکه تصمیم وی این بود که نبرد را برای تحلیل بردن دائمی نیروی دشمن ادامه دهد .



حلقه عمومی مراکزها در ۴ سپتامبر ۱۹۹۶
(محل صحنه ۱۹۷۲)

در نتیجه نبرد «سُم»، آسیب های سختی، مادناً و معنأ، بنیروی آلمان وارد آمد؛ ۵۰،۰۰۰ اسیر و ۲۰۰ توب بدست فرانسویها افتاد؛ از آن قسمت از خاک فرانسه که آلمانها تصرف کرده بودند «حاشیة» پهناوری مجدداً بتصرف فرانسویها درآمد. اینها بودند نتایج نبرد «سُم» که فرانسویها، با وجود مصائب دهشت آورده و ردن، بتحصیل آنها موفق شدند. بعلاوه، در اواخر نبرد «سُم»، ژنرال فرانسوی مانژن (Mangin) موفق شده بود در «وردن» نیز «دوومون» (Douaumont) و «و» (Vaux) را، در ۲ اکتبر و ۲ نوامبر، از آلمانها مسترد دارد. این غلبه را فرانسویها بر «اعادهٔ تفوق خود در قبال دشمن» حمل مینمایند. بدین طریق «وردن» کاملاً مستخلص گشت.

ولی با این وصف، هیندنبورگ موفق شده بود تا مدتی از ضربت قطعی بر حذر گردد. حقیقت امر اینست که در این مورد نیز، فقدان وحدت فرماندهی ژنرال «ژفر»، فرماندهٔ کل نیروی فراسه را باز داشته بود از اینکه طرح تدابیر و نقشهٔ مقاصد خود را تا حصول نتیجهٔ نهائی تعقیب کرده به برداشت نمرهٔ قربانیهای خونینی که ارتش فراسه در سال ۱۹۱۶ متحمل شده بود توفیق یابد.

تعرض

جبههٔ جدیدی که اخیراً در پهلوهای ارنشهای شرقی اطریش و مجارستان بوجود آمده بود باقی می ماند. برودکی انگلیسها، صرفه جوئی آلمانها در تدافع مانع از این بود که فرانسویها مجموع قوای خصم را در مقابل خود نگاهداشته و مشغول سازند. متحدین جدید دول غربی بکمک متفقین محتاج بودند، و این کمک میبایستی نخست بوسیلهٔ ارتش روس و سپس بوسیلهٔ ارتش «ساویک» تأمین گردد.

اکنون باید دید این جبهات در چه حالی بودند؟

سالونیک (نقشه شمارهٔ ۳۴)

بلغارها، در پایان عملیات فاتحانهٔ ایکه در سال ۱۹۱۵ بر ضد صربستان اجراء کردند،

بر حسب امر اکید دولت آلمان در سرحد یونان توقف کرده بودند ، بدون اینکه بخاک یونان تجاوز کرده ، یا در منطقه « واردار » (Vardar) و یا در منطقه « مناستیر » (Monastir) داخل شوند .

در بهار ۱۹۱۶ ، ارتش شرق در اردوگاه مستحکم « سالویک » تمرکز یافته بود . پاسدار های یونانی که در کلیه طول سرحد مابین دشمن و ارتش شرق قرار گرفته بودند ، و همچنین سپاه ۴ یونان که مقدونیه شرقی را اشغال کرده بود « پوشش » ارتش مزبور را عهده دار بودند . این « پوشش » مخصوصاً از لحاظ جاسوسی ، اطمینان بخش بود ، زیرا رویه دولت و ارتش یونان رویه روشنی نبود .

ولی از پایان ماه مارس ۱۹۱۶ ، لابد متعاقب مذاکرات سر می و تباری محرمانه « بران - صوفیه - آبن » (Berlin-Sofia-Athènes) ، دولت یونان ، « مد از اینکه زمینه افکار عمومی را فراهم ساخت ، جبهه شمال « سالویک » را تحلیف کرد . متفقین نیز ، بدون فوت وقت ، فوای بحاوی دشمن اعراض داشتند ، تا جائیکه در خارج اردوگاه مستحکم « سالویک » ، دشمن تماس یافتند .

چون رویه یونان بیش از پیش مشکوک مینمود ، باغارها و یوایها هم در جنوب « مناستیر » مشغول تباری و در حال « سازش » بودند ، و دشمن نیز فعالیت زیادی ابراز میکرد . ژنرال سارای (Sarrail) ، فرمانده کل ارتش شرق ، « فلورینا » (Florina) را در ۴ مه ، بوسیله فوای بیرومندی اشغال نمود . برای اینکه پوشش و یا به عبارت صحیحتری اکتشاف جناح چپ خود را تأمین کند ، در این موقع ، اگر از این قسمت از قوای پوششی بگذریم ، جبهه واقعی که بنامه معنی ارتش شرق اشغال میکرد در شرق استروما ، (Strouma) و در غرب از واردار ، (Vardar) تجاوز مینمود .

ولی از آغاز ماه مه ، موزه رسیدن کمک جبهه امداد قوای انگلیس ، روس و ایتالیا فرا رسید . ارتش صربستان ترمیم یافته و در طی سال معادل ۱۰۰۰۰۰ نفر قوای امدادی جبهه متفقین تأمین نمود . کلیه عده ارتش شرق تقریباً به ۳۰۰،۰۰۰ نفر بالغ گردید . اکنون دیگر برای ارتش شرق میسر میشد موقعیت مدافعی خود را ترک کرده و مقدمات تعرض را در حوزه « واردار » فراهم نماید .

پس ارتش شرق، در مقابل جبهه دشمن «گورگلی-دواران» (Guevgueli-Doiran)، که با کمال استحکام آرایش یافته و دو لشکر آلمانی (توأم با نرات بلغار) آنرا نگاهداری مینمود، بتقویت و استحکام پرداخت.

در همین موقع، در نتیجه اعمال نفوذ آلمانها، که در دربار «آن» اقتدار و موقعیت خاصی داشتند، سیاست یونان بر علیه متفقین هدایت شده بود. ولی یونان قادر نبود علناً نمایان خود را نسبت بدول مرکزی ابراز دارد؛ زیرا از طرفی حزب وینزلوس (Vénizelos)، که نفوذ و اقتدار زیادی داشت، بر له متفقین بود؛ و از طرفی هم یونان (با آن وسعت سواحل)، از آنجائی که مجبور بود آذوقه و نذورات خود را از طریق دریا تهیه نماید، از نفوق دریائی که در دست متفقین بود نگرانی داشت. بدین مناسبات، دولت یونان قادر نبود علناً برخود متفقین قیام نماید. ولی در ۲۷ مه، قوای باغار که در جناح راست متفقین واقع شده بودند به خاک یونان تجاوز کرده و با موافقت کنستانتین (Constantin) پادشاه یونان قلعه «روپل» (Rupel) را تصرف نمودند. و بدین طریق راه مقدونیه شرقی بروی آنها مفتوح گردید.

متفقین هم بسهم خود، بتقویت قوای پوششی خویش در امتداد «استروما» مشغول بودند.

در ۱۵ ژوئن، سرانجام که در مغرب «واردار» جبهه متفقین را امتداد داده بودند، بر آمدن پاسداران باغار نا-موفق شد.

در نیمه نخستین ماه اوت، در جبهه «واردار-دواران» (Vardar-Doiran)، حملات جزئی متعددی بوسیله متفقین اجرا گردید.

باغارها که از دیرگامی در انتظار تعرض ارتش شرق بودند، و خطار حمله متفقین را در موقعی احساس میکردند که رویه رومانی هم روشن شده بود، از مدتی پیش حمله‌ای را (حمله احتیاطی) تهیه میدیدند. و این حمله احتیاطی بلغار را میتوان در فهرست عملیات مشابه دیگری که دول مرکزی در ماههای اولیه

سال اجرا کرده اند قلمداد نمود.

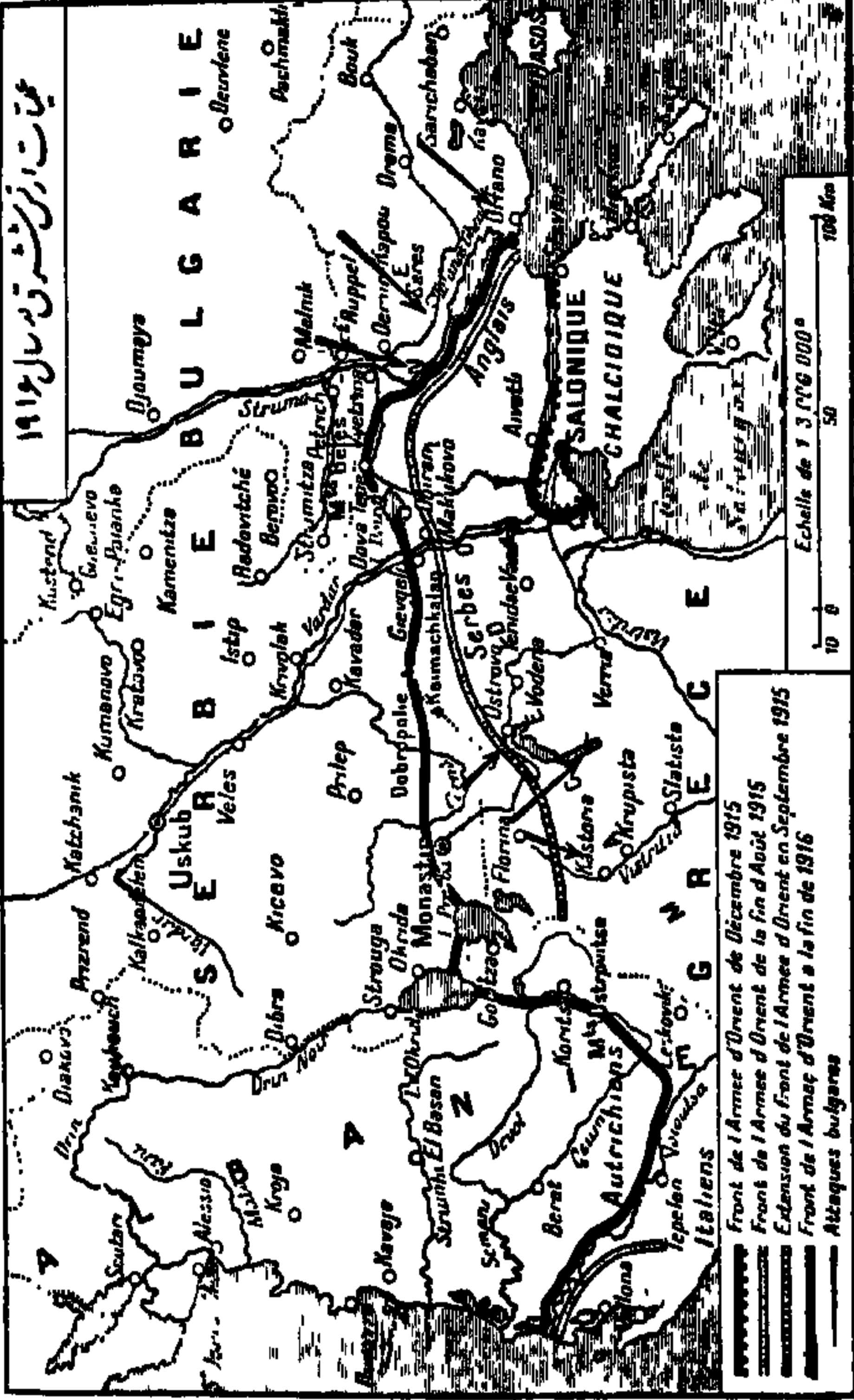
در ۱۸ اوت، دول مرکزی، از هر دو جناح تعرض مضاعف را شروع کردند. در مشرق، از «روپل» (Rupel) خارج شده، تمام مقدونیه شرقی را تسخیر کرده، (و بهمدستی مقامات یونانی)، سپاه ۴ یونان را اسیر نمودند، «سرس - دراما» و «کاوالاتا» (Seres-Drama-Cavalla) را اشغال نموده و در کنار رود «استروما» قرار گرفته، و پستهای سوار نظام متفقین را که تا ماوراء رود مزبور گماشته شده بود عقب راندند.

در مغرب نیز «فلرینا» (Florina) را تصرف نموده، روبه «استروا - وریا» (Ostrova-Verria) پیشروی کرده از جناح چپ متفقین کاملاً تجاوز کردند. در چنین موقعی، مسئله اقدام بتعرض در حدود «واردار» (جهت رسانیدن کمک به رومانی) دیگر برای متفقین موضوع نداشت؛ فعلاً، مسئله ای که برای آنها اهمیت خاصی داشت این بود که از خط محاصره جلوگیری نمایند. در همان حین که انگلیسها دفاع و حفاظت «استروما» را عهده دار هستند، صربها، فراسویها، ایتالیا و روسها متناوباً در سمت مغرب هدایت میشوند، برای اینکه آنها هم بنوبه خود جدیت کنند جناح راست قوای بلغار را احاطه نمایند.

در ۲۸ اوت، یعنی در همان روزیکه رومانی اعلان جنگ میداد، نازم متفقین موفق شدند عمل محاصره دشمن را متوقف سازند.

از آنجائیکه کلیه قوای متفقین بسمت مغرب هدایت شده بودند، فرماندهی ناچار بود از اینکه قوای مزبور را در همین حدود بکار ببرد، برای اینکه هرچه زودتر تعرض پردازد. ولی عمل آرایش قوا کار طولانی و مشکلی بود، در گرمای تابستان، راه یمانیهای طولانی عده هارا، که از تب و بوبه آسیب سختی دیده و فرسوده شده بودند، بتحلیل میبرد؛ در چنین منحنه ای که فاقد جاده و مواصلات بود ندارکات خوب انجام نمیگرفت؛ بعلاوه فرماندهی قوای متفقین از ملل مختلفه ای تشکیل یافته بود. بنا بر این حمایت، صربها نازم در ۱ سپتامبر

مخيمات ايرتق شرق سال 1916



————— Front de l'Armée d'Orient de Décembre 1915
- - - - - Front de l'Armée d'Orient de la fin d'Août 1915
..... Extension du front de l'Armée d'Orient en Septembre 1915
————— Front de l'Armée d'Orient à la fin de 1916
————— Attaques bulgares

موفق شدند عمل راندن جناح راست بلغار را رو به « فلرینا » شروع نمایند ،
تصرف مجدد این شهر نیز تازه در ۱۸ سپتامبر صورت گرفت ؛ تازه در ۲
اکتبر بود که متفقین توانستند بخاک صربستان راه یافته و در خمیدگی
« سِرنا » (Serna) نفوذ یابند ؛ از اینرو ، میبایستی تا ۱۹ نوامبر در انتظار
باشند ، تا عاقبت قادر شوند نفس زنان « مناستیر » را تصرف نمایند آن نیز بوضعی
که حوالی آن در تصرف قوای بلغار باقی بماند .

اندکی بعد ، جبهه کم کم استقرار یافت .

روبهم رفته ، متفقین با اوضاع و احوال خیلی سختی موفقیت تاکتیکی عمده‌ای
تحصیل کرده بودند ، وای از احوال استراتژی عدم موفقیت آنها کاملاً محرز و
مبهرن بود . از شرح مختصری که در فوق در مورد عملیات ارتش شرق داده شد
کاملاً معلوم میشود که متفقین بنا بر چه جهایی ، عوض اینکه بکامک رومانی شتاب
کنند ، مساعی خود را در مغرب بیهوده بخرج دادند .

علی‌رغم کناره‌گیری حزب ویزاوس (Vénizelos) و تشکیل یافتن حکومتی
متماثل بمتفقین در « سالونیک » ، و همچنین ، علی‌رغم محاصره اقتصادی سخت‌تری
که اثرات آن هنوز مشهود نشده بود ، وضعیت ارتش شرق میبایستی بمناسبت رویه
یونان تا پایان سال مختل بماند .

در ماه دسامبر ، وقایعی در آتن (Athènes) روی داد ، بدین معنی که ۴۴
این شهر دامی جهة ملوانان فرانسوی گسترده شده و بالنتیجه عده ای از ملوانان
مزبور در کوچه‌های شهر کشته شدند . بعد از اینکه این وقایع روی داد ، به
یا فشاری عناصریکه در میان متفقین با کمال اصرار و ابرام از کنستانتین پادشاه
یونان طرفداری میکردند خاتمه داده شد .

پس ارتش « سالونیک » قادر بود عمل مؤثری برای دستیاری بقوای
رومانی اجرا نماید . اکنون باید دید که آیا رومانی ممکن بود بکامک قوای
روس امیدوار باشد ؟